

فردریک فروبل هوشیس اولین کودکستان

در دنیای امروز تربیت کودک بیش از هر زمانی مورد توجه مردمان قرار دارد. کودکستان که محیط خاص تربیت کودکان است امروزیک واحد مهم و اساسی تعلیم و تربیت هر کشور را تشکیل میدهد. در سابق نه تا این اندازه کودک مورد توجه بود و نه تعلیم و تربیت او تا این درجه حائز اهمیت بود و اکنون همگسانی از دانشمندان و مردمان اهمیت دوره کودکی را یاد آوری کرده باشند نظر ایشان با نظر دانشمندان تربیتی امروز تفاوت فاحشی دارد.

اولین کسی که با توجه با اهمیت دوره کودکی در زندگی افراد همت بتأمیس کودکستان گماشت فروبل آلمانی است که زندگی اونمونه عشق پرورش نوع انسان و فدایکاری و از خود گذشتگی در این راه است. فروبل چون خود در دوره کودکی بواسطه نداشتن مادر از دلسوزی یک هر بان محروم ماند همیشه متوجه این محرومیت بزرگ خود بود و با فدایکاری که از خود نشان داد سعی داشت این محرومیت را از پیش پای کودکان دیگر بردارد و محیطی برای پرورش ایشان فراهم کند که هر طفلى در بهترین موقع مناسب بنا باقتضای استعداد و فطرت و طبیعت خود آنطور که لازم است رشد کند و پایه هر احل تکامل و پرورش آئیه اوبنحو مطلوبی گذاشته شود. فردریک ویلهلم اگوست فروبل^(۱) در ابر وايسباخ^(۲) که قریه ای از تورینجین^(۳) میباشد در ۲۱ اوریل ۱۷۸۳ متولد شد. و در ۲۱ جون ۱۸۵۲ در مارینتال هال^(۴) درگذشت. مادر فروبل هنگامی که او کودکی بیش نبود از دنیا رفت. پدر او با

۱- Friedrich Wilhelm August Fuobel

۲- Oberweissboch

۳- Thuringian Foest

۴- Moriental hall

بانوی دیگری ازدواج کرد. فروبل از این بانو که نامادری او بود زیاد نامه‌رمانی دید و ناچار بترک خانه پدری خود شد و نزد دائی خود به اشتات ایلام (۱) رفت در همین محل در یک آموزشگاه روسایانی تحصیل پرداخت. فروبل از همان کودکی غالباً متفکر بود و توجهی بگفته‌های آموزگار نداشت از این جهت در نظر اولیاء آموزشگاه کودک کندذهنی هیآمد. بیش از دو سال فروبل در این آموزشگاه نماند. بعد مدرسه را ترک کرده بیشتر بمشاهده طبیعت پرداخت و بتفکرات شخصی خود ادامه داد. در اثر همین نزدیکی با طبیعت و اندیشه‌های عمیق بدون اینکه از اصول علمی باخبر باشد بوحدت نظام و قوانین طبیعت پی برد.

هنگامیکه بسن هفده سالگی رسید برای پی بردن بر موز طبیعت علاقه زیادی به علوم طبیعی پیدا کرد. برادر فروبل که تا این تاریخ بطور منظم تحصیل کرده و در این موقع در دانشگاه بود. فروبل بسیار کوشید تا توانست خود را بدانشگاه رسانیده از سخنرانیهای دانشگاهی درباره علوم طبیعی استفاده نماید. ولی گرفتار مضيقه هالی شدیدی بود بطوریکه از عهمه پرداخت شهریه بر نیامد و در اندرسی شلینک (در حدود ۳۲۰ ریال) قرضیکه بصدقوق دانشگاه داشت و قادر نپرداخت آن نبود نه هفته زندانی شد. پس از پایان دوره زندان با وضعی تأثیر آور ناچار بمحل اولی خود مراجعت کرد و از آنجا برای تأمین معاش خود بمزرعه رفت و بکار کشاورزی پرداخت. در این هنگام پدرش مریض شد و ناچار بهالین پدر مشتافت. پدر فروبل در سال ۱۸۰۲ فوت کرد. فروبل در این موقع ۲۰ ساله بود و با ازدست دادن پدر خود یکه و تنها هاند و جز بخود بدیگری نمیتوانست منکی باشد. پس از فوت پدر دست بکارهای مختلفی از قبیل محاسبی - نظارت و منشیگری و غیره زد و تمام اینها را برای کسب روزی خود دنبال میکرد و هنوز مطابق ذوق و میل خود نتوانسته بود کاری پیدا کند. سه سال و نیم باین ترتیب گذراند

و با مشکلات زندگی درنبرد بود - با خود میاندیشید و با یک عشق شدید به خدمت ابناء بشر در جستجوی کارمناسب بود، تادر فرانکفورت هنگامیکه مشغول تحصیل معماری بود بر حسب تصادف با مدیر یکی از آموزشگاههای نمونه پستالتزی آشنا گشت. آشنائی آنها روز بروز گر هتر شد تا بدوسنی و صمیمیت هنجر شد. مدیر آموزشگاه فروبل را مستعد و شایسته امر تعلیم و تربیت دید و او را تقویق کرد از معماری دست کشیده و در یکی از آموزشگاههای نمونه بکار تدریس پردازد. فروبل میگوید «هنگامیکه برای نخستین بار خود را در بر این پنجاه کودک دیدم در خود یک هست و رضایت و علاقه شدیدی احساس کردم . بالاخره با آنچه مدت‌ها در پی آن میگشتم رسیدم . همانطور که ما هی در آب راحت و خوش وزنه است من هم در این کار جدید بی اندازه شادمان و راحتم ».

دو سال فروبل در این آموزشگاه با موفقیت کار کرد . در ضمن عمل متوجه شد که اطلاعات او برای اینکار مهم آنطور که لازم است کافی نیست . لذا از این کار کناره گیری کرد و بفکر تکمیل معلومات و تدارک بهتر برای آموزگاری افتاد . و هم خود را بتربیت سه کودک که از یک خانواده بودند پرداخت . در تربیت این سه کودک نیز فروبل نتوانست خود را راضی کند پس از جلب رضایت اولیاء آنها ایشان را به بی وردن برد و در آنجا یک قسمت از بنگاه معروف پستالتزی را تشکیل داد . با این ترتیب از سال ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۹ فروبل مستقیماً از منبع اصلی افکار پستالتزی استفاده کرد و خود را برای تکمیل نظریات آن دانشمند بزرگ آماده نمود .

فروبل کوشید تا از تجارت پستالتزی در پرورش کودکان اصولی . بدست بیاورد . با استعداد و علاقه ایکه با مر تربیت کودک داشت نه تنها به نظریات و افکار استاد آشنا شد بلکه در رفع نواقص و تکمیل آنچه او شروع کرده بود و ناتمام هانده بود همت گماشت و توفیق حاصل کرد . از غور و بررسی طبیعت و فطرت انسانی تا اندازه زیادی باصول پرورش آشناشد . با تمام مطالعات شخصی و تجارتیکه

مدام تحصیل میکرد باز هم بواسطه اهمیت که برای کارتدریس قائل بود خود را هر بی
و اجد الشراءطی نمیدانست و مایل بود تحصیلات عالیه خود را که یازده سال پیش
با آن وضع تاسف آور هتوقف مانده بود دنبال نماید. لذا در سال ۱۸۱۱ در گتینگن (۱)
مجدداً به تحصیل پرداخت و سپس از آنجا به برلین رفت. در دفتر خاطرات خود
هینویسد: «بالاخره توفیق پیدا کردم در دانشگاهی که مدت‌ها آرزومند تحصیل در آن
بودم به تحصیل پردازم. در آنجا باین حقیقت پی بردم که تمام خصوصیات انسانی
در شخصیت او ممتاز است. یک بار دیگر مجال پیدا کردم تمام افکار خود را متوجه
مسئل مربوط باهوش و پروش کنم». این بار نیز تحصیلات دانشگاهی فروبل
 بواسطه احضار برای خدمت نظام دوچار وقفه شد.

در سال ۱۸۱۳ بمیدان جنگ رفت ولی هیچ وقت فکر اینکه خود را برای
علمی آماده نماید و هر بی و آموزگار شایسته‌ای شود اورا ترک نکفت. در ماه
مه ۱۸۱۴ بواسطه پایان جنگ و اعضاء پیمان صلح در فتنبلو (۲) فروبل به برلین
بازگشت و زیر نظر پروفسور وايس (۳) در موزه معدن شناسی شروع به کار کرد.
در ایامیکه باینکار هشغول بود چنان هیمنود که از کار کناره گیری کرده است ولی
در حقیقت اگر عملاندريس نمیکرد باطنًا باطلاعات و تجارت خود میافزود و خود را
بهتر آماده و همیا میکرد. در این مدت فروبل بارتباط کامل بین مظاهر طبیعت و
انسان پی برد. خود او می‌نویسد: «در اینجا من در مرکز زندگی قرار گرفتم.
افکار داخلی و مشاهدات خارجی، زندگی، طبیعت، ریاضیات... همه بصورت
اشکال مبتلوریکه در جلوی من قرار داشت در آمد. چشمان باطن من بیکجهان
حقیقت آثار طبیعت باز شد.» - در جای دیگر هیگوید: «سنگما در دست من
بصورت اشکال زبانداری در آمد. جهان اجسام با من از عالم انسانی و قوانین

خلقت برای ونیماز پرداخت و بایک زبان آرام ولی محسوس و واقعی حقائق زندگی بشری را بهمن تعلیم داد . »

فروبل در میدان جنگ با دو نفر بنام هیدندرف (۱) و لانگت هال (۲) که ۱۰ سال از او جوانتر بودند آشنا شد . صمیمیت ویگانگی این دو دوست با فروبل روز بروز زیادتر شد و اثر آن در زندگی فروبل روز بروز محسوس تر میگردید . این دو نفر همیشه آماده اجرا و عملی کردن نظریات فروبل بودند . هال و جان خود را در این راه گذاشتند و منتهای فدایکاری را از خود نشان دادند . فروبل نخست در نظر گرفته بود که آموزگار علوم طبیعی شود ولی بتدریج فکر او از این منظور متوجه هدف بزرگتری شد لاینک تال و هیدندرف در برلین بودند و با فروبل تماس داشتند - فروبل تعالیم خود را درباره پروردش نوین بآنها هیداد و نتیجه کار آنها را مورد بررسی قرار میداد . در سال ۱۸۱۶ بفکر آن افتاد که معلومات خود را راجع بتعلیم و تربیت جدید بکار بند و مورد عمل قرار دهد . فروبل برادری روحانی داشت که بزندان فرانسویان افتاد و در آنجا مبتلا به تب شد و سه سال پیش از این تاریخ در گذشته بود و چند طفل یتیم از خود باقی گذاشت . فروبل تصمیم گرفت به گریشهایم که دهکده‌ای از ایام بود و برادر زاده‌های یتیم او در آنجا بودند برود و با تعلیم برادر زاده‌های خود روش خود را مورد عمل و استفاده قرار دهد . دونفر برادر زاده یتیم دیگر هم داشت که آنها را نیز فرا خواند و با این اطفال آموزشگاهی دائز کرد و بدستان خود نیز اطلاع داد و از آنها دعوت کرد که او را در اینکاریابی نمایند . هیدندرف فوراً آمد و لاینک تال نیز پس از یک یادوسال دیگر موقعیکه آموزشگاه به کیلمو دهکده دیگری از تورینجن منتقل شده بود با ایشان ملحاق گردید . این دهکده بعدها بصورت کعبه روش نوین در تعلیم و تربیت شناخته شد .

در کیلمو فروبل - لاینک تال - هیدندرف و یکی از بستکان هیدندرف بنام

باروپ گروه فرهنگی تشکیل دادند - همکی در آنجا ازدواج کردند و با معاضیت یکدیگر شروع بکار نمودند.

همکاری و پشتکار ایشان باعث شد که آموزشگاه رونق پیدا کند - تعداد کودکان روز بروز زیادتر شود و آوازه این آموزشگاه که بسبک جدید اداره میشد همه جا به پیچد . ولی با تمام اینها وضع آموزگاران و بیشتر از کودکان از لحاظ مادی خوب نبود و غالباً کودکان برای تهیه آذوقه بجهنمگل و مزارع میرفتند و برای روزی خود تلاش میکردند . فروبل با ده سال اقامت در کیلهو انر بزرگ خود را بنام « آموزش و پرورش انسانی » در سال ۱۸۲۶ منتشر کرد .

چهار سال بعد فروبل در نظر گرفت سازمانهای دیگری وابسته به مؤسسه اولیاء در کیلهو تشکیل دهد یکی از دوستانش قصری در وارتنسی (۱) بوی واگذار کرد . فروبل کیلهو را به باروپ و لاینگک تال واگذار کرد و خود درسویس اقامت نمود . در اینجا روحانیون مانع پیشرفت کار او شدند و با افکار و طرز کار او روى موافق نشان ندادند . حتی پس از اینکه مؤسسه فرهنگی خود را در ۱۸۳۳ بنطه دیگری در همان ناحیه بنام ویلیسو (۲) منتقل کرد باز هم کار او رونقی نگرفت . هیدندروف بدستور فروبل بسویس رفت و ناچار شد بخطاطر وظیفه فرهنگی خانواده خود را ترک کرده چهار سال موفق بیدیدن آنها نشود ولی هر چه کوشش کردند نتیجه محسوس از کار ایشان در پیشرفت این مؤسسه فرهنگی عاید نشد و این مؤسسه هیچ وقت رونق پیدا نکرد . دولت سویس بفکر افتاد از این مرای بزرگ نهایت استفاده ممکنه را بگند برای اینکار نقشه‌ای طرح شد که بموجب آن مدیران و آموزگاران دبستانهای سویس نزد فروبل بروند و از نظریات او درباره روش نوین استفاده نمایند . فروبل به بورگک درف (۳) رفت . این محل سی سال پیش بواسطه کارهای پستالتزی شهرت بسزائی پیدا کرده بود . فروبل در اینجا بانتظار آموزشگاه پیمان پرداخت

و ضمناً دوره تعلیمات سه ماهه‌ای برای مدیران آموزشگاهها تشکیل داد تا ایشان را با روش نوین آشنا نماید. مریبان و آموزگاران برای استفاده از درس این استاد سه ماه به بورگدرف میرفندند و از هحضر استادانی هانند فروبل و بیزووس (۱) استفاده می‌کردند. ضمن سخنرانی‌هایی که فروبل برای آموزگاران کرد و در نتیجه تماس با ایشان متوجه این نکته اساسی شد که کودکان قبل از اینکه وارد دبستانها شوند بواسطه نا مساعد بودن محیط اولیه پرورش غالباً استعدادهای ایشان تا اندازه‌ای ضایع و تباء شده و پایه تربیت ایشان بطور غلط گذاشته شده است. با اینکه قبل از کتاب معروف خود بنام آموزش و پرورش انسانی در سال ۱۸۲۶ نظریه‌های مهمی درباره تربیت کودکان نوشته بود هذلک در این موقع که در بورگدرف بود در اثر تجربه‌ای که پیدا کرده بود بیشتر فکر و توجهش درباره این موضوع مهم و اساسی بود و غالباً در این اندیشه بود که برای کودکان محل‌های مناسب و شایسته‌ای که جای محیط ناهناسب پیش از دبستان را بگیرد فراهم نماید. و چون میدید کودکان بیازی زیاد علاوه‌مندند و يك قسمت مهم از فعالیت ایشان همین بازی و حرکت است به فکر این افتاد که اصول پرورش ایشان را در ضمن بازی و حرکت تامین نماید. و منظور و نقشه خود را با در نظر گرفتن يك رشته بازی‌های مطلوب طرح دیزی کند. با این ترتیب فروبل میدید بدون توجه این محیط مساعد تربیت کودکان در مرحله دبستان غالباً نتیجه مطلوب را نمیدهد و معتقد شده بود باستی کودک پیش از ورود به دبستان در يك محیط مناسب پرورشی مورد نظر و توجه و پرورش قرار گیرد تا از مراحل دیگر تعلم و تربیت بنحو مطلوب بتواند استفاده نماید. در این موقع ذنش کسالت پیدا کرد و ناچار شد پیش از اینکه باصطلاح بمقام واينسيرناتر (۲) يعني پدریتیمان بر سد به برلین بازگردد. در آنجا بر اثر گرفتاری‌های خانوادگی ناچار شد چندماهی توقف نماید. در این موقع از فرصت استفاده کردو در آنجا از آموزشگاه کودکان

که تازگی گشایش یافته بود باز دید کرد و نظرهایی برای بهبود و اصلاح پیشرفت آن بعتصدیان هر بوطه داد. پس از آن به کیلهو رفت و در آنجا برای تحقیق نظر اساسی خود در سال ۱۸۳۷ در نزدیکی بلانکنبورک (۱) اوین کودکستان را بنام کیندرگارت (۲) یا باغ کودکان تاسیس نمود. فروبل از نام باغ کودکان خیلی لذت میبرد و این نام را انتخاب کرد تا بهتر نظر اورا معرفی کند و مردم بدانند کودکستان محل درس و تعلیم جدی نیست بلکه صرفاً محیط مساعدی است برای پروردش و پایه گذاری خصال نیمکو از راه بازیهای مطلوب. فروبل نظریه خود را درباره کودکستان در روزنامه هفتگی محلی بنام سنتاگز بلات (۳) که از ۱۸۳۷ تا ۱۸۴۰ منتشر شد درج کرد. علاوه بر این برای آموزگاران جوان در بلانکنبورک مخترانهایی در این زمینه ایراد کرد.

با اینکه کودکستان بعنوان یک واحد مهم فرهنگی روز بروز طرفدار پیدا میکرد مغذیه کودکستان بواسطه اشکالات مالی نتوانست آنطور که لازم بود پیشرفت نماید. فروبل که زنش را در سال ۱۸۳۹ از دست داده بود نخست در کیلهو و بعد چهار سال آخر عمرش را در لیبنشتاین (۴) با برادر مخترانهایی برای آموزگاران پرداخت. در سال ۱۸۴۹ فروبل مورد توجه یک بانوی روشن فکری بنام بارونس فن هارنهالس بولو (۵) قرار گرفت. این بانوی فرهنگ دوست چنان شیفته این استاد پرورش کودکان شد که تصمیم گرفت شرح حال اورا بنحو زنده و موثری بنویسد و شخصیت بارز اورا نقاشی نماید. آنچه ما امروز از شرح حال فروبل میدانیم با استفاده از همین بیوگرافی است.

فروبل در سالهای آخر عمر خود میخواست زندگی آرامی داشته باشد.

برای تربیت کودکان اخلاق روحیه زنان را مناسب‌تر از مردان تشخیص داد و از این

جهت تربیت زنان جوان برای آموزگاری پرداخت. پس از اینکه مدتی مجرد هیز است دوباره ازدواج کرد. در همین موقع بیک پیش آمدی برای این دانشمند بزرگ روی داد که جر که تصور آنرا هم نمیکرد.

میدند رف دوست فروبل کودکستان را پارلمان آلمان معرفی کرد و فروبل امیدوار بود بتوانند به مؤسسه فرهنگی خود رسمیتی بدهد ولی در این موقع برای دولت آلمان سوءتفاهمی پیش آمد. برادرزاده فروبل بنام کارل فروبل کتابی انتشار داد که مظنون بطریق داری و تبلیغ سوسیالیزم بود. با اینکه اساساً بین طرز فکر و عقیده کارل فروبل و فردریک اختلاف فاحشی وجود داشت معذلک اشتراک نامخانوادگی ایندو فردریک فروبل را نیز بد نام کرد و مردم باشتباه کارل و فردریک را هم عقیده و هم مسلک تصور کردند. چون کارل هر دبگمانی دولت واقع شده بود فردریک نیز از طرف دولت دچار زحمت شد. در سال ۱۸۵۱ وزیر فرهنگ آلمان بنام رومر (۱) فرمانی در پروس صادر کرد و آموزشگاههای فردریک و کارل را غیر قانونی اعلام کرد. کنگره مدیران آموزشگاهها که فردریک فروبل را کاملاً از اتهام وارد بگیری میدانستند بسیار کوشش کردند که رفع سوءتفاهم از دولت وقت بگیرند ولی توفیق پیدا نکردند و کسی گوش شنوا نداشت و فرمان تا ده سال بعداز هرگز فردریک فروبل یعنی تا سال ۱۸۶۲ بقوت خود باقیماند. مثل اینکه هنوز جامعه آماده نبود تا از تعلیمات و نظریات این دانشمند انسان دوست درباره تربیت جدید استفاده نماید. در هر حال فروبل که انتظار حق شناسی از مردم داشت با چنین وضعی روبرو شد و سخت از مردم متاثر شد و پس از بپا کردن جشن هفتادمین سال تولد خود در ماه می ۱۸۵۲ یکماه بعد از دنیا رفت و اورا در شونیا (۲) که دهکده ایست در نزدیکی هارینت‌هال (۳) اورا بخاک سپردند.

هر گرفربل موجب تاثیر شدید تمام دوستان او و عازم‌دان به پرورش نوین شد. مثل اینکه او نمیخواست بیش از این حق کشی و بیدادگری هردم زمانه را به بیند و بازیهای چرخ بازیگر را تماشا کند.

فروبل از پیشوایان فن آموزش و پرورش است. وی بودت وجود عقیده دارد. در عالم نظامی هی بیندو همه را مظہر یاک قدرت و یاک اراده میداند. بعقیده او همه چیز از خدا و در همه‌جا خدا حاضر است. از گفته‌های اوست که میگوید: «در تمام موجودات این عالم یاک نور حیات دیده میشود زیرا بهمه یاک خدا هستی بخشیده است». در کتاب آموزش و پرورش انسانی میگوید هدف پرورش باید این باشد که شخص را بصفای درونی و تصفیه ذاتی راهنمایی کند، اطلاعاتی راجع خود او و آدمیت بشخصی بدهد و اورا با خدا و طبیعت آشنا کند و بطرف زندگی بی‌آیش و هقدسیکه این جور دانشها اقتضا میکند رهبری نماید. برای رسیدن باین هدف عالی فروبل نظریه تکامل (۱) را پیشنهاد میکند. حالا باید دید فروبل از نظریه تکامل منظورش چیست.

منظور فروبل از تکامل افزایش کمیت و اندازه نیست (بالاینکه ممکن است شامل اینهم باشد) بلکه افزایش هم پیوستگی و ترکیب وجود است. چیزی را کامل گوئیم که تشکیلات داخلی آن از هر قسمت کامل باشد و بعلاوه بتواند کارها و اعمال طبیعی خود را کاملاً انجام دهد. اگر این خصوصیت را در مورد دماغ آدمی تعبیر کنیم، برای اینکه ذهن ما بمیزان تکامل خود بر سدلایم است از لحاظ نیرو و مهارت بتواند با مباحث علوم آشنا شود و هر علم را در جای طبیعی و مناسب خود بکار برد.

چطور میشود باین تکامل دست یافت؟ بعقیده فروبل از طریق دقت در اثار خلقت، تکامل بر اثر ورزش و تکرار و بکار انداختن استعداد حاصل میشود. این

تعریف نه تنها شامل فرد میشود بلکه در جماعات و نژادها نیز صادق است. هر خصوصیت نژادی که استعمال و عمل پیدا نکند کم کم ضعیف شده و روزی ازین خواهد رفت. هر چیز برای زمین بستگامی نخست یا کاستعداد ذاتی لازم دارد که بدون آن تکامل صورت خواهد گرفت و سپس نیاز هندبتمرین و تکرار است تا بر اثر ورزیدگی مراحل تکامل را طی کند آموزش و پرورش صحیح این محیط مناسب با اختیار افراد را درآورد. هر کار و عملی نمیتواند هارا به مرحله تکامل برساند. تکامل درست هنگامی دست خواهد داد که در بکار بردن قوای بین استعدادهای شخص و نوع تمرین و عمل هم آهنگی وجود داشته باشد و اگر اینطور نباشد ممکن است نتیجه معکوس بددهد. یک نکته دیگر نیز هست که شایان دقت است و آن اینست که هر کار و عمل و فعالیت باید از خود و مربوط با استعداد خود شخص باشد. هر استعدادیکه پرورش آن هدف آموزش و پرورش است باید نخست در وجود شخص بیدار شود و سپس با تمرین و همارست قوی و کامل شود. فروبل در کتاب «آموزش و پرورش انسانی» فعالیتی را که برای تکامل لازم است فعالیت شخصی ناهیده است.

عمولاً ما برای ذهن سه جور فعالیت قابل هستیم. فعالیت ادراکی - حسی و ارادی برای تکامل ذهن کار و عمل باید هم آهنگ این سه فعالیت ذهن باشد. بدیهی است هر چقدر ذهن برای این جور عمل از خود فعالیت نشان دهد میزان تکامل آن بیشتر خواهد شد. از این جهت است که در پرورش توین کارهای فکری تاکید میشود هر فرد انسانی بایستی تکامل را از درون خود بخواهد و فعالیت شخصی خود را هم آهنگ با قانون ابدی طبیعت بگند.

یگانه هدف در هر نوع آموزش و پرورش همین است و چیز دیگری نمیتواند باشد (نقل از کتاب آموزش و پرورش انسانی). هر امری از جانب خدا و با هشیت او تنظیم شده است. عنصر الهی که در هر چیزی هست حقیقت آن را تشکیل میدهد (۱)

مشی و روش تکامل اینستکه آن حقیقت درونی کامل بشود تا اینکه خدا در این اشکال گذران تجلی کند. هر کودکی باید بواسیله فکر کردن آن «مفهوم واقعی» را بمرحله کمال بر ساند.

اما چطور میشود کودکان را پرورش داد تا بمرحله کمال بر سند؟

چگونگی این پرورش را از تأمل در کارهای خدا که اثار و مظاهر طبیعت است هیتوان بدست آورد. در چگونگی خلقت، در نظام اسرار آمیز طبیعت، در ذات کائنات و حکمت ارتقاء و پیشرفت و تکامل انسان خدانوع(۱) آموزش و پرورش را نشان داده است.

فروبل در کتاب آموزش و پرورش انسانی میگوید وظیفه هرمی اینستکه هر چه ممکن است امتعادهای نهفته دانش آموز را بیدار و تقویت کند و از خود او کمک بخواهد نه اینکه معی کند باو بدهد و در مغز او فروکند.

با این رویه ایکه فروبل در آموزش و پرورش اتخاذ میکند. «عمل» مقام بزرگی در فلسفه و تعلیم احراز میکند. آموزش و پرورش باید از عمل آغاز و با عمل پیش برود.

پیش از فروبل هنفکرین دیگر نیز باهمیت «عمل» اشاره کرده اند ولی تازگی فکر فروبل در این استکه او نه تنها همه چیز را همکی و هربوط بعمل میداند بلکه جنبه الهی آنرا نیز در نظر داشته معتقد است بخدا نیز وابسته است. معتقد است که یکی از صفات ذات پروردگار صفت خلاقه او است. خدا خلق میکند و هدام عمل خلقت در کار است (نقل از کتاب آموزش و پرورش انسانی) چون خدا انسان را بصورت خود آفریده است. ما هم باید مانند خدا «عمل» کنیم هر کس که بخواهد بوجود خداوند متعال بی برد باید «کار» کند. اما کار خوب. رابطین خالق و مخلوق فقط اعمال نیک است و این باید هدف همیشگی هر نوع آموزش و

پرورش باشد.

در جای دیگر میگوید با سعی و عمل و کوشش ها بصورت خدا در میآئیم. افکارها وجود خارجی بخود میگیرد و بدینوسیله معرفت بیشتری بخدا پیدا میکنیم از درون و برون خدا بما نزدیک میشود. قلب کودکان از باکی و صفا عرش خدا است و با همان صفا و پاکی کودکانه بدون اینکه با اعمال ذشت بزرگتران خود آلوده شده باشند تسلیم عزیزه خلاقه خود میشوند (آموزش و پرورش انسانی).

فروبل نخستین کسی است که «غیریزه خلاقه» بچه را که در هر طبقی از هر ملیت و هر بوط به دوره‌ای که باشد وجود دارد مورد استفاده پرورش قرار داده است. میگوید «کودکان بر اثر غیریزه خلاقه علاقه‌مند بدمست زدن. جا بجا کردن اشیاء هستند. هر چیز در دسترس ایشان قرار گیرد مورد آزمایش قرار میکرد آنرا بدمست میگیرند - سعی میکنند بر دارند - و هر دفعه تماس قرار دهند - کسانیکه از غریزه خلاقه کودک و فن آموزش و پرورش بی اطلاع هستند این عمل کودکان را با صطالاح بفضولی و شیطانی کردن کودک تعبیر میکنند.»

فروبل معتقد است که اگر از «غیریزه خلاقه»، کودکان درست استفاده شود و مورد توجه و پرورش آموزگاران متخصص و شایسته قرار گیرد میشود امیدوار بود که کودکان ساختن و ابتكار بسیاری از چیزها را فرا گیرند. همینکه کودک دید خود در ساختن چیزهایی بدمست خود توفيق حاصل کرده و در جلوی خود اشیائی دید که نتیجه فکر و ذهن و کار دستی او است. بی اندازه شادمان میشود اینکار علاوه بر اینکه غریزه خلاقه کودک را بکار میاندازد و موجب تقویت استعدادهای مختلف او نیز شده اورا بمرحله تکامل که هدف آموزش و پرورش نوین است نزدیک میسازد. مکننیکه فروبل باین ترتیب در آموزش و پرورش بوجود آورد و مخصوصاً اهمیت که بکار عمل شخصی در امر تربیت کودک میدهد تغییرات فاحشی در آموزش و پرورش کودکان بوجود آورده که حائز کمال اهمیت است. توجه فروبل بیشتر بکودکان است. معتقد است که کودک سازنده و ایجاد

کننده خلق میشود و با ساختن و ایجاد کردن رو بستگاصل هیرود.

در هر مرحله‌ای تکامل هست مشروط باینکه تکامل مرحله پائین‌تر انجام شده باشد اگر تکاملیکه دوره کودکی اقتضا میکند درست انجام شده باشد، کودک برای طی تکامل دوره جوانی آماده خواهد بود. از اینجهت پرورش کودکان بیش از آنچه تا آتزمان تصور میکردند مورد توجه قرار گرفت. خود فربل گینه‌درگارتن یا باغ کودکان را بهمین منظور تأسیس کرد.

فربل نیز همانند پستالتزی به پرورش مادران فون‌العاده اهمیت میدهد ولی همانند او پرورش کودک را تمام‌آ بسته مادر و اگذار نمیکند. کودک نیازمند پرورش خاصی است که حتی بهترین مادران در بهترین خانواده‌ها از عهده انجام آن برنمایند پستالتزی تصور میکرد که کودک متعلق و وابسته بفamilی است. فیکته دانشمند آلمانی معتقد است که کودک بجامعه تعلق دارد. ولی فربل رویه بینایین را اختیار کرده و میگوید هم بخانواده و هم بجامعه وابسته است. برای اینکه کودک برای جامعه مهیا و آماده شود لازم است در یک محیط اجتماعی و با سرگرمی‌ای دست جمعی که درست و صحیح در نظر گرفته شده باشند پرورش یابد.

از بررسی که فربل در حالات کودکان بعمل آورد باین نتیجه رسید که مهترین خصوصیت ایشان «ناآرام» بودن آنها است. نا آرامی جسمی و نا آرامی فکری. کودکان بسیار کنجدکار هستند. و هرچه را بیابند میخواهند دست بزنند و آزمایش کنند. بویژه فربل این نکته را دریافت که کودک دوست دارد دستهای خود را بکار اندازد شکل اشیائیکه در دسترس او قرار میکیرد تغییر دهد و بصورت دیگری در آورد. همچنین علاوه‌نمود است باینکه آنچه دیده و هیشناشد مورد تقلید قرار دهد و آنرا نقاشی کند. شکل آنرا از موم یا مواد نرم دیگری بسازد. علاوه بر این فعالیتها مشاهده کرد که کودکان فطرتاً اجتماعی هستند و احتیاج به محیط اجتماعی دارند همچنین در کودکان حس اخلاقی - میل - عواطف و وجودان وجود دارد که اگر محیط مناسب پیدا کنند بنحو مطلوب پرورش یافته خود خود پرستی و خود خواهی ایشان را میشود.

از آنجاییکه هر نوع پرورش باید متنکی بفعالیت شخصی باشد. فروبل متوجه این نکته شد که کودکان باید در محیط مخصوص بخود بکار بردازند تا دعایت این اصل مهم در پرورش بشود. کار کودک بازی است. فروبل بامونیتی (۱) در این قسمت هم عقیده است که جدی ترین سرگرمی کودک بازی است. و بالاک (۲) در اینجاهم عقیده است که هدف بازی باید تشکیل بازیهای مفید و خوب باشد و اگر غیر از این باشد عادات بدی باو خواهد داد که از هدف پرورش دور است (آموذش و پرورش انسانی). برای انجام این منظور فروبل یک رشته سرگرمیهایی برای کودکان ترتیب داد که قسمت بیشتر آنرا بازیهای اجتماعی تشکیل میداد. فروبل بهر یک از اسباب بازیها نامی از استعدادهای (۳) انسان را داد. این استعدادها فقط اسباب بازی تنها نیستند بلکه مواد و مصالحی هستند که با آنها کودکان «میسازند» و سرگرم میشوند و بدینوسیله حس اختراع، ایجاد و عمل در ایشان تقویت پیدا میکند.

پرورش ذرق و استعدادهای موسیقی کودکان نیز در پرورش نوین مورد توجه قرار گرفت. حس درک آهنگ صدا و حرکت باید با موسیقی پرورش پیدا کند. سرودوشور نیز در بازیها توصیه شده پرورش حواس بویژه حس بینایی- شنوایی و لامسه خیلی مورد توجه قرار گرفت. شهود یکه (۴) از آن در پیش هم نام بر دیم پایه درست و اساسی معرفت تشخیص داده شد، قصه و حکایت نیز برای پرورش قوه تصویر و خیال کودکان جزو برنامه قرار گرفت. منظور از این قسمت این نیست که آنطور که پیشینیان تصور میکردند تنها بکوکان چیزی باد داده شود بلکه منظور جلب توجه ایشان بنکات اخلاقی و اجتماعی است و اگر اصول روانشناسی کودک بکار برده شود علاقه و دقت ایشان جلب شده در راه تکامل که هدف پرورش نوین است خواهد افتاد.

فروبل مانند پستالتزی رویه ایرانی در پرورش کودکان اتخاذ کرده است که در

دویست سال پیش فرانسیس بیکس (۱) فیلسوف و دانشمند انگلیس را فلاسفه پیشنهاد کرد . بیکن همگفت برای درک حقیقت آنچه مایرین گفته‌اند برای فلاسفه و طالبین حقیقت راهی نیست که بکامیابی ایشان برسد . این اشخاص خود باید مستقیماً به مطالعه آثار طبیعت و آنچه قدمای دانشمند خود را از آن گرفته‌اند پردازند . در پژوهش نوین فروبل توصیه میکند که بکودکان نباید یاد داد بلکه باید خود ایشان یاد بگیرند . اما چطور؟ - در ضمن کار و عمل و استفاده از محیطی که بر طبق اصول پژوهش نوین ایجاد شده .

پیش از فروبل آموزشگاه برای کودکان وجود داشته اما کارها و برنامه آن بیشتر برای هادران و بمیل ایشان بود تا کودکان . مثلا ابراین (۲) در حدود صد و پنجاه سال پیش چنین آموزشگاهی در وزج (۳) تاسیس کرد و هر کودکان در این آموزشگاه دو تن زن دهاتی بنام سارا بازت (۴) و لوئیز شپلر بودند (۵) .

در اوائل قرن بیستم جمیز بوچانان (۶) و ساموئل ویلدرسپین (۷) کودکستان را در انگلیس و کچین (۸) آنرا در فرانسه معرفی کردند . با اینکه منظور فروبل از تاسیس کودکستان بیشتر پژوهشی و کمتر آموزشی بود همذلک در انگلستان آنرا آموزشگاه کودکان (۹) نام نهادند . فروبل این بنگاه نوین را باعث کودکان نامید زیرا در آنجا کار کودکان بیشتر بازی است . هر سرگرمیکه کودکان را بخود مشغول کند و ایشان را سر نشاط بیاورد برای آنها صورت بازی خواهد داشت .

فروبل هدف کودکستان را چنین تعریف کرده است . کودکستان باید کودکان را چنان بکار وارد که طبیعت و خلق‌ت ایشان اقتضا میکند . موجبات رشد و تقویت قوای بدنی ایشان را فراهم کند ، فکر و حواس ایشان را بکار بیندازد و با

- 1- Francis Bacon
- 4- Sara Banret
- 6- Buchanan
- 8- J.M.D. Cochin

- 2- Oberlin
- 5- Louise Scheppeler
- 7- Samuel Wilderspin
- 9- Infant School

- 3- Vosges

بکار بردن حواس ایشان آنها را با محیط و اطرافیان خود آشنا و مانوس کند. بویژه لازم است قلب و عواطف آنها را درست پروراند و بحقائق زندگی رهبری نماید: پس از فرانسه و انگلستان کشورهای دیگر نیز نظر فروبل را در لزوم کودکستان پسندید. باقتباس فکر و تاسیس کودکستان اقدام کردند تا آنجاکه امروز در کمتر کشوری است که نمونه‌های متعدد کودکستان دیده نشود.

چون فهم نظریه فروبل و در پرورش کودک بویژه در قسمت «استعدادها» چندان آسان نیست. بیشتر هدیران کودکستانها از منظور فروبل بیخبر بوده و کودکستان را در حکم آموزشگاه معمولی در آرده‌اند که کارهای آن بیشتر هاشمینی است و تربیت صحیح کودک در آن مهم گذاشته می‌شود. بیشتر کسانی که در کار کودکستانها بررسی کرده‌اند این اشتباه بزرگ را گوشزد کرده‌اند از جمله دکتر جمیز وارد در مجله اولیاء چاپ ۱۸۹۰ منتشره در انگلستان باین قسمت اشاره کرده است.

برای اینکه اصول «پرورش نوین» خوب روشن شود خصوصیات بر جسته زیرا باد آور هیشوم:

- ۱- ارزش هر گونه آموزش و پرورش در این استکه هوجب از دیاد «نیرو» بشود و نیرو هم در اثر فعالیت شخصی موجبات تکامل خود را فراهم می‌کند.
- ۲- ارزش حافظه در پرورش نوین این استکه بکار استعدادهای عالیه ذهن بخورد و پرورش آن بتنهایی غایت و هدف پرورش نیست.
- ۳- آموزش و پرورش باید متناسب و منطبق با استعداد و علاقه کودک باشد.
- ۴- بیشتر اوقات باید حرف طبیعتیات و زبانهای جدید شود.
- ۵- همان اندازه که به پرورش روان توجه می‌شود، پرورش و تقویت ذهن نیز باید مورد توجه قرار گیرد.
- ۶- همان اندازه که آموزش و پرورش عالی برای پسران فراهم شده است

برای دختران نیز باید فراهم شود.

۷ - تمام طبقات از فقیر و غنی باید بتوانند از نعمت آموزش و پرورش

بهره مند شوند.

۸ - همانطور که یک نفر پزشک برای کسب اجازه اشتغال به پزشکی باید دوره مخصوصی را طی کند و تعلیمات ویژه‌ای را بهبیند، آموزگاران و دبیران نیز برای اشتغال بکار مشکل و بسیار مهم‌تریت جوانان باید دوره مخصوصی را طی کرده بنحو شایسته وارد خدمت پر مسئولیت خود بشوند.

۹ - تمام روش‌های آموزشی باید بدون استثناء هستکی باصول علمی و روانشناسی باشد.

بهر نوع آموزش و پرورشیکه اصول نه کانه بالا در آن رعایت بشود میتوان نام «آموزش و پرورش نوین» را اطلاق کرد.



در نوشن این مقاله از مراجع ذیل استفاده شده است:

- 1- Essays on Educational Reformers by Robert Herbert Quick London : Longmans' Green' and Co .
- 2- Encyclopaedia Britanica